



The principles of the Three Stages of Growth and Education in Traditions and its Application to Sex Education

_____ Ahmad Emami Rad ^{1*}, Maryam Mashhadi Alipoor ² _____

1. Assistant Professor, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Mashhad, Iran.
2. Ph.D. of Quran and Hadith, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2022.53978.1161

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15852.html

Corresponding Author:

Ahmad Emami Rad

Email:

ahmademamimoshaver@gmail.com

Received: 2022/10/31

Accepted: 2022/12/16

Available: 2023/01/21

Open Access



Keywords:

Education stages, Sex education, Play, Tolerance, Politeness.

ABSTRACT

Sexual issues in general and sexual education in particular have been of interest to thinkers of various sciences. On the other hand, in the stages of absolute education, especially the three stages of growth and education in Islam, it has been given special attention by Islamic scholars, but less in-depth investigation is seen in this field. However, no history was found regarding the stages of sex education in Islam. This article aims to respond to the stages of sex education in Islam, examine the stages of education and its application to sex education and explore the stages of sex education in Islam, which is explored with a qualitative and library method by conceptual analysis of written sources. The desired narrations have been discussed. This research has come to the conclusion that the stages of sex education in all stages in terms of age do not follow the conventional growth stages as well as the growth stages mentioned in the traditions, and the stages of sex education before and after marriage instead of being limited to specific ages. name of the stage is enough. Nevertheless, the principles and points governing the three stages of Islamic growth also apply in sex education.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



اصول مراحل سه گانه رشد و تربیت در روایات و تطبیق آن بر آموزش جنسی

_____ احمد امامی راد^{۱*}، مریم مشهدی علیپور^۲ _____

۱. استادیار، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی ایران، مشهد، ایران.

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2022.53978.1161

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_15852.html

	نویسنده مسئول: احمد امامی راد
چکیده	ایمیل: ahmademamimoshaver@gmail.com
مسائل جنسی به طور عام و آموزش جنسی به طور خاص مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف بوده است. از سوی دیگر، در مراحل آموزش به طور مطلق، خصوصاً مراحل سه گانه رشد و تربیت در اسلام، مورد توجه خاص علمای اسلامی قرار گرفته است، اما بررسی عمیق کمتری در این زمینه به چشم می‌خورد. اما در خصوص مراحل آموزش جنسی در اسلام پیشینه‌ای یافت نشد. این مقاله با هدف پاسخگویی به مراحل آموزش جنسی در اسلام، بررسی مراحل تعلیم و تربیت و تطبیق آن بر آموزش جنسی و اکتشاف مراحل آموزش جنسی در اسلام را هدف خود قرار داده که با روش کیفی و کتابخانه‌ای به اکتشاف این امر با تحلیل مفهومی منابع مکتوب روایات مورد نظر پرداخته است. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که مراحل آموزش جنسی در تمامی مراحل از لحاظ سنی، از مراحل رشد مصطلح و نیز مراحل رشدی که در روایات ذکر شده است، تبعیت نمی‌کند و مراحل آموزش جنسی قبل و بعد از ازدواج به جای محدود شدن به سنین خاص، به همان نام مرحله اکتفا می‌شود. با وجود این، اصول و نکات حاکم بر مراحل سه گانه رشد اسلامی در آموزش جنسی نیز جریان دارد.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱
	دسترسی آزاد 
	کلیدواژه‌ها: مراحل تربیت، آموزش جنسی، بازی، مدارا، ادب.

بیان مسأله

در رابطه با خصوص «مراحل» آموزش جنسی در اسلام، بررسی زیادی از سوی نظریه پردازان اسلامی انجام نگرفته است. البته مراحلی چون: کودکی، نوجوانی، جوانی، آمادگی برای آغاز زندگی مشترک؛ مورد توجه آن‌ها بوده است (سروستانی، ۱۳۹۶ش)، اما دلایل این تقسیم‌بندی‌ها و نیز تطبیق یا استخراج آن از متون دینی به چشم نمی‌خورد. تقسیم‌بندی در اصل مراحل تعلیم و تربیت نیز با این‌که بیشتر مورد توجه بوده است (ابن مسکویه، ۱۳۹۴ش: ۵۴-۵۵؛ سعدی، ۱۳۹۸؛ گلستان، باب ۷ / ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶ و ۱۵۹ و سعدی، ۱۳۹۸؛ بوستان، باب ۱، ۷۴؛ باب ۷: ۱۶۰ و ۱۶۴؛ باب ۹: ۱۸۴؛ ابن‌سینا، ۱۳۹۶ش)، ولی بررسی علمی و عمیق جامع کمتری صورت گرفته است.

توجه در تعیین این مراحل و تفکیک آن‌ها از این جهت ضرورت می‌یابد که ممکن است اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت در مراحل مختلف، متفاوت باشند. در واقع، تفکیک‌نشدن مراحل تعلیم و تربیت موجب می‌شود، اولاً: برنامه‌ریزان نتوانند انتظارات خود را در برنامه به‌طور مشخص منعکس کنند. ثانیاً: معلمان و مربیان دریابند که چگونه و تا چه حد باید اهداف را تحقق بخشند و ثالثاً: دستیابی به اهداف، قابل ارزیابی نباشد. البته این مراتب ممکن است به لحاظ شرایط خاص اشخاص یا گروه‌ها متفاوت باشد، اما برخی مراتب تعلیم و تربیت ناشی از شرایطی است که برای همه انسان‌های معمولی حاصل می‌شود و می‌توان آن‌ها را مراحل تعلیم و تربیت نامید (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰ش: ۳۳۶).

برخی اندیشمندان مسلمان در مورد مراحل تعلیم و تربیت سخن به میان آورده‌اند و در این میان، خصوص روایات مراحل سه‌گانه رشد و تربیت شهرت بیشتری در تعلیم و تربیت و نیز روان‌شناسی رشد اسلامی دارد، اما بررسی اجتهادی عمیق در این مورد کمتر به چشم می‌خورد (پسندیده، ۱۳۹۵ش).

از سوی دیگر، در امور جنسی به‌طور عام نظرات متعدد و گاه متضادی از سوی نظریه‌پردازان و مسئولین ممالک دیده شده و در اسنادی چون ۲۰۳۰ نمود پیدا کرده است. توجه به مراحل رشد و مراحل تربیت در خصوص آموزش جنسی نه‌تنها جریان دارد، بلکه به خاطر حساسیت خاص مسأله، از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است. اما، آموزش جنسی در اسلام دارای چه مراحل است؟ این پژوهش برای پاسخ‌گویی به این سؤال است. بدین‌منظور خصوص روایات مراحل سه‌گانه رشد و تربیت که شهرت بیشتری در تعلیم و تربیت و نیز روان‌شناسی رشد اسلامی دارد، مورد بررسی ویژه واقع شده، تطبیق یا عدم تطبیق آن بر مراحل آموزش جنسی معلوم می‌شود. پژوهش حاضر با روش کیفی (پاول، ۱۳۷۹: ۲۱۱) و کتاب‌خانه‌ای به اکتشاف مراحل آموزش جنسی از منابع مکتوب روایات مورد نظر پرداخته است. برای این اکتشاف مطالبی که در اسناد مکتوب ذکر شده است، مورد

تحلیل مفهومی و تحلیل مضمونی قرار می‌گیرد. با توجه به لزوم دقت بیشتر در استخراج مطالب و تحلیل آن‌ها روش اجتهادی مورد توجه خاص است.

نخست تطبیق روایات مراحل سه گانه رشد و تربیت بر آموزش جنسی مورد توجه قرار گرفته و سپس مراحل آموزش جنسی به طور خاص مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تقسیمات مختلفی از سوی نظریه پردازان در خصوص مراحل تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است که مجال ذکر نیست (شکوهی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). اما مرحله‌ای که اندیشمندان مسلمان بیشتر بدان توجه داشته‌اند، سه مرحله‌ای است که در هفت روایت آمده است. از این رو، این مراحل به طور ویژه مورد بررسی واقع شده و تطبیق آن بر مراحل آموزش جنسی خواهد آمد.

با توجه به لزوم کنکاش بیشتر و نیز برخی نظرات خاص نگارنده، لازم است این روایات و مفاد آن‌ها نیز به صورت عمیق بررسی گردد. در این راستا، مسائل زیر بررسی می‌شوند:

۱. روایات و سند آن‌ها

۲. مراحل آموزش جنسی در روایات

۳. سنین مراحل تربیت و آموزش جنسی

۴. واژه‌های ذکر شده در روایات.

۱. روایات و سند آن‌ها

با توجه به لزوم جمع‌بندی علمی مطلوب، لازم است سند روایات نیز مورد بررسی واقع شده، به صورت اجتهادی وارد بحث شد. به منظور رعایت اختصار، سند احادیث در تیتیر هر یک عنوان گردیده و بدان اکتفا می‌شود. روایات مرتبط با مراحل سه گانه و سند آن‌ها به قرار زیر هستند:

موثقه یونس بن یعقوب

– عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «أَمَّهْلُ صَبِيٍّ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلِّ عَنْهُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ق/۶/۴۷)؛ به کودکت تا شش سالگی مهلت بده؛ سپس او را هفت سال با خودت همراه کن و ادب یاد بده؛ پس اگر قبول ادب کرد و صالح شد (که بهتر) وگرنه به خودش واگذار.

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» مرحوم کلینی معتبر است. «أحمد بن محمد بن خالد البرقی» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷؛ طوسی، بی تا، ۵۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ق/۱۵)، «علی بن اسباط» (نجاشی، ۱۳۶۵: ش/۲۵۳)، و «یونس بن یعقوب» (کشی، ۱۳۴۸: ش/۳۸۸) هم امامی و ثقه هستند. منظور از «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» که برقی از آن‌ها نقل می‌کند، شامل عده‌ای

از اصحاب می‌شود که حتی اگر ضعیف هم باشند، باز مستفیض است (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق: ۴) و در مجموع سند روایت موثقه است.

موثقه یعقوب بن سالم

– أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (کلینی، ۱۳۶۵ق: ۶/ص ۴۷)؛ طفل هفت سال بازی می‌کند و هفت سال یادگیری کتاب و هفت سال یادگیری حلال و حرام می‌کند».

«أحمد بن محمد عاصمی» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۹۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۶) امامی و ثقه هستند. «علی بن حسن بن علی بن فضال» (کشی، ۱۳۴۸ش: ۳۴۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲۷۲). و عمویش «یعقوب بن سالم أحمَر» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۴۹؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۶) نیز ثقه هستند و سند روایت موثقه است.

شیخ طوسی به نقل از شیخ کلینی، همین روایت را ذکر کرده است، با این تفاوت که قبل از «الکتاب» در مرحله دوم، کلمه «فی» هم آورده است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸ / ۱۱۱). کلمه «فی» در مرسله برقی نیز آمده است، البته با تعبیر «أدبه فی الکتاب» (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۷۶).

مرسله یونس بن عبدالرحمن و شیخ صدوق

– عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ» (کلینی، ۱۳۶۴ش: ۶ / ۴۶)؛ بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند و هفت سال (بعدی) را با خودت همراه کن؛ پس اگر رستگار شد (چه خوب) و گرنه آن فرزند از کسانی است که خیری در او نیست».

روایت به خاطر ارسال آن (عن رجل) ضعیف است.

مرحوم صدوق در مرفوعه خود، این روایت را سه مرحله آورده است؛ قَالَ الصَّادِقُ (ع): «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳ / ۴۹۲)؛ بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند و هفت سال (بعدی) را او را تأدیب کن و هفت سال (بعدی) را با خودت همراه کن؛ پس اگر رستگار شد (چه خوب) و گرنه آن فرزند از کسانی است که خیری در او نیست».

به نظر می‌رسد در نقل مرحوم کافی مرحله ۷ سال دوم سقط (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱ / ۸۹) شده است و عبارت «الزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا» مربوط به ۷ سال سوم است.

مرفوعه اول شیخ طبرسی و منابع اهل سنت

- قَالَ النَّبِيُّ (ص) «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقَهُ لِإِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۱/۹۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۶)؛ «فرزند هفت سال آقا و سرور است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است. اگر در این بیست و یک سال اخلاقش رضایت بخش شد، که بهتر و گرنه به پهلویش بزن (او را به حال خود واگذار) که در نزد خدا معذوری».

سند روایت مرفوعه و ضعیف است.

شبهه این مرفوعه (با اندکی تفاوت) در منابع اهل سنت هم نقل شده است (هیثمی، ۱۴۰۸: ۸/۱۵۹)؛ که سند این نقل هم معتبر نیست (المنای، ۱۳۹۱ق: ۶/۴۹۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۷۷).

مرفوعه دوم شیخ طبرسی

- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ يَنْتَهَى طُولُهُ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ عَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ» (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰۱/۹۶)؛ بچه هفت سال آزاد گذارده می شود و هفت سال تأدیب می شود و هفت سال به کار گرفته می شود و و طول قامتش در بیست و سه سالگی و عقلش در سی و پنج سالگی کامل می شود، و بعد از این آنچه به دست آورد، به وسیله تجربه است».

سند روایت مرفوعه و ضعیف است.

مرفوعه شیخ صدوق

مرحوم صدوق در مرفوعه خود، عین روایت بالا را با تعبیر «يُرَبِّي الصَّبِيَّ» در مرحله اول آورده است؛
- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ مِنْتَهَى طُولُهُ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ عَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۴۹۳)؛ بچه هفت سال تربیت می شود و هفت سال تأدیب می شود و هفت سال به کار گرفته می شود و تا بیست و پنج سالگی قامتش بلند می شود و تا سی و پنج سالگی عقلش کامل می گردد و بعد از آن با تجربه است».

سند روایت مرفوعه و ضعیف است.

در نقل شیخ صدوق «يُرَبِّي» به معنای تربیت است؛ البته برخی با توجه به تعبیر دیگر روایات که تربیت را در مرحله اول نیاورده بودند، امکان تصحیف این واژه از سوی شیخ صدوق را داده اند و واژه «يُرْخَى» را درست تر دانسته اند (پسندیده، ۱۳۹۵)؛ در حالی که بنا به آنچه بررسی خواهد شد، در مرحله اول نیز تربیت وجود دارد و نیازی به توجیه این امر و قائل شدن به تصحیف نیست. توضیح این امر خواهد آمد.

مرسله برقی

– الْحَسَنُ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ (احمد بن محمد بن خالد برقی) عنه (ع): «أَحْمِلُ صَبِيحَكَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهِ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ أَدِّبُهُ فِي الْكِتَابِ سِتِّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبُهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلِحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ» (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۶)؛ بجهات را تا شش سال یاری کن، و شش سال به کتاب ادبش کن، سپس او را با خودت همراه کن و با ادب خودت تأدیبش کن، اگر قبول ادب کرد و صالح شد (که بهتر) وگرنه به خودش واگذار.»

«أحمد بن محمد بن خالد البرقی» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۷۷؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵) امامی و ثقة هست، ولی مرسله است و سند را با ضعف مواجه می‌سازد.

قبل از ورود به بررسی دلالتی روایات ذکرشده، و پاسخ‌گویی به دیگر سؤالات ذکرشده، شایسته است، در جدولی به روایات ذکرشده و نوع دلالت آن‌ها نگاه اجمالی شود و سپس در مباحث بعدی به صورت مفصل بررسی گردند:

جدول ۱: مراحل سه‌گانه تربیت در روایات و دلالت آن‌ها

ردیف	روایات	سند	تعداد دوره‌ها	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	سنین
۱	موثقه یونس بن یعقوب	موثقه	۲	أَمِهْلُ	-	ضَمَّهُ إِلَيْكَ فَأَدِّبُهُ بِأَدَبِكَ	۶
۲	موثقه یعقوب بن سالم	موثقه	۳	دَعِ يَلْعَبُ	يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ	يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ	۷
۳	صدوق و یونس بن عبدالرحمن	مرفوعه	۲ و ۳	دَعِ يَلْعَبُ	يُؤَدِّبُ	الزِّمُّهُ نَفْسَكَ	۷
۴	مرفوعه طبرسی و منابع اهل سنت	مرفوعه	۳	سَيِّدٌ	عَبْدٌ	وَزِيرٌ	۷
۵	مرفوعه طبرسی	مرفوعه	۳	يُرْحَى	يُؤَدِّبُ	يَسْتَعْمِدُ	۷
۶	مرفوعه صدوق	مرفوعه	۳	يُرْبَى	يُؤَدِّبُ	يَسْتَعْمِدُ	۷
۷	مرسله برقی	مرسله	۳	أَحْمِلُ	أَدِّبُهُ فِي الْكِتَابِ	ضَمَّهُ إِلَيْكَ فَأَدِّبُهُ بِأَدَبِكَ	۶

۲. مراحل تربیت و آموزش در روایات

چنانچه گذشت، در بیشتر روایات ذکر شده، سه مرحله مورد توجه قرار گرفته بود. در یک روایت موثق نیز سه مرحله ذکر شده بود.

در مجموع، سه دوره بودن مراحل درست است و چنانچه برخی نیز اشاره دارند (پسندیده، ۱۳۹۵ش)، در نقل‌هایی که فقط دو دوره آورده شده است، سقط رخ داده است. از این رو، دوران تربیت سه مرحله است نه فقط دو مرحله.

اما در خصوص آموزش جنسی، با این که در نظر گرفتن این اصول در سه مرحله ذکر شده مهم است؛ اما انحصار آموزش جنسی در این سه مرحله رشد درست نیست. زیرا، با توجه به برخی آموزش‌های جنسی در دوره‌های بعد از ازدواج و محتواهای وارد شده در رضایت جنسی همسران و همچنین تربیت جنسی فرزندان و متریان در سنین بعدی، نمی‌توان به انحصار آموزش جنسی در سه دوره ذکر شده نظر داد. در واقع، از خود این روایات به بیشتر از این سه دوره ذکر شده برای تربیت نمی‌توان دست یافت، ولی با توجه به محتواهای آموزش جنسی فراوانی که در متون اسلامی در دوره‌های بعدی وارد شده و مجال ذکر نیست (موسوی و امامی راد، ۱۳۹۸ش و اعرافی ۱۳۹۶ش؛ ۲۶؛ تربیت جنسی و ...)، می‌توان عدم انحصار آموزش جنسی در این سه دوره را فهمید.

۳. سنین مراحل تربیت و آموزش

در ۵ روایت بالا، سه هفت سال و در دو روایت سه شش سال در مراحل رشد به چشم می‌خورد. در روایت موثقه اول، شش سال و روایت موثق دوم هفت سال آمده است.

به نظر می‌رسد اختلاف در این سنین، علاوه بر جزئی بودن، با توجه به شرایط متربی قابل تغییر است. با توجه به تفاوت انسان‌ها می‌توان در این امر انعطاف به خرج داد و نیایستی آن سنین را امری دقیق تلقی نمود. برای تقریب ذهنی مثالی از روزه ذکر شده و سپس سن روایات ذکر شده توضیح داده می‌شود:

برخی فقها در فلسفه اختلاف در سن مؤاخذه متربی در مسأله روزه چنین آورده‌اند:

«در این روایات زمان مؤاخذه کودک برای سستی در روزه متفاوت است. به طور مثال: در صحیح حلی امر به روزه در نه سالگی و در صحیح معاویه بن وهب مؤاخذه بر روزه را در چهارده پانزده سالگی مطرح کرده است...؛ این اختلاف نشان می‌دهد که این اعداد (به طور دقیق) موضوعیتی ندارند و توجه به توان متربی و انعطاف در این باره را می‌رسانند. در مجموع از روایات برمی‌آید که والدین بایستی از نه سالگی کودکان را با روزه آشنا سازند و آنان را به گرفتن روزه امر نمایند و به سبب ترک روزه، به ویژه در سنین نزدیک به بلوغ مؤاخذه نمایند. البته در عین حال باید به توانایی آنان نیز توجه نمایند» (اعرافی، ۱۳۹۶ش؛ ۲۴ / ۱۷۹).

در بحث فعلی ما نیز این سنین را نباید خیلی دقیق حساب کرد و منحصر دانستن برخی در سه شش سال یا سه هفت سال (پسندیده، ۱۳۹۵ش) صحیح به نظر نمی‌رسد. از این رو، می‌توان گفت:

سه مرحله تربیت در این روایت به قرار زیر است:

مرحله اول: از تولد تا ۷ سالگی؛ (هم روایات سه شش سال را شامل می‌شود و هم روایات سه هفت سال) مرحله دوم: بین ۶ الی ۱۴ سالگی؛ (هم بین ۶-۱۲ که مفاد روایات سه شش سال بود را شامل می‌شود و هم بین ۷-۱۴ سال که مفاد روایات سه هفت سال بود) مرحله سوم: بین ۱۲ الی ۲۱ سالگی (هم بین ۱۲-۱۸ که مفاد روایات سه شش سال بود را شامل می‌شود و هم بین ۱۴-۲۱ سال که مفاد روایات سه هفته سال بود).

این سال‌ها در افراد و فرهنگ‌ها و متریبان گوناگون با توجه به اختلاف و شرایط متفاوت فرق می‌کند و قابلیت انعطاف را دارا می‌باشند. از این رو، به طور دقیق نمی‌توان سن و ماه دقیقی را برای این مراحل در نظر گرفت و با توجه به منعطف بودن انسان، مربی نیز می‌تواند در تربیت خود منعطف باشد.

در واقع، سنین و مراحل ذکر شده به این معنا نیست که در تمام ساحت‌های تربیتی، بایستی به این سنین توجه داشت؛ بلکه به این معناست که تکالیف تربیتی ذکر شده در این سه دوره به عنوان اصل مد نظر قرار گیرند. با این توضیح که: سن‌ها و مراحل ذکر شده برای توضیح اصول حاکم در آن سنین است؛ نه این‌که محدوده سنی دقیق برای کلیه ساحت‌های تربیت باشند. به طور مثال: سنین تربیت عبادی با تربیت جنسی و تربیت سیاسی و ... در ارائه مطالب فرق می‌کند.

توضیح بیشتر آن‌که: تفکیک مراحل رشد یا تربیت ممکن است با اهداف مختلف صورت بگیرد. برای مثال، برای متخصص قلب، دانستن مقدار استاندارد ضربان قلب در مراحل مختلف زندگی مهم است؛ اما شاید هرگز برای او مهم نباشد که در چه مرحله‌ای کودک می‌تواند مفهوم علیت را انتزاع کند. به همین ترتیب، چنان‌چه تعلیم و تربیت در ساحتی خاص منظور نظر باشد، معقول آن است که مراحل تعلیم و تربیت بر اساس تغییراتی که در ویژگی‌های مربوط به همان ساحت اتفاق می‌افتد، تعیین شود. برای مثال: مراحل رشد پیاژه، بر اساس تحولات شناختی تنظیم شده‌اند، و چنان‌چه مورد قبول باشند، مناسب است که مبنای تعیین مراحل تعلیم و یادگیری قرار گیرند. همچنین مراحل اخلاقی کُلبِ رگ ناظر به تحولات اخلاقی، البته در بعد شناختی است و چنان‌چه قابل قبول باشند، باید مبنای تعیین مراحل تعلیم اخلاقی قرار گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ش: ۳۴۴-۳۴۵). به این ترتیب، به نظر می‌رسد حالت ایده‌آل برای تعیین مراحل تعلیم و تربیت بر اساس مراحل رشد، آن است که برای هر یک از ساحت‌های تعلیم و تربیت به‌طور جداگانه مراحل بر مبنای تغییر قابلیت‌های مربوط به همان ساحت تنظیم شود و برنامه‌های تعلیمی و تربیتی بر اساس تلفیق آن‌ها تنظیم شود (همان: ۳۴۵). شایان ذکر است مراحل رشد نه تنها

در ساحت‌های مختلف فرق می‌کند، بلکه در خود ساحت‌ها نیز متفاوت است که تربیت عبادی در نماز و روزه از آن جمله است. به طور مثال: در ساحت تربیت عبادی و یا آموزش عبادی، آموزش عبادت‌های گوناگون سنین مختلف را می‌طلبد. آموزش نماز در ۷ سالگی است. امر به نماز فرزند در آیاتی مورد توجه بوده است (طه، ۱۳۲؛ لقمان، ۱۷؛ و مریم، ۵۵) و سن این امر به نماز در روایات ۷ سالگی است (کلینی، ۱۳۶۶: ۳/ ۴۰۹، و ۷/ ۶۹، حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴/ ۱۸، صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۳۶، صدوق، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۲۶)؛ و آشناسازی و عادت‌دهی به روزه هم ۹ سالگی، و مؤاخذه بر آن، سنین نزدیک به بلوغ است (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴/ ۱۷۹). حتی مؤاخذه بر ترک نماز فرزند در روایات، بین هشت سالگی تا سن بلوغ برشمرده شده است. این تفاوت در زمان مؤاخذه بر تفاوت‌های فردی و شرایط جسمی و روحی کودک حمل می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴/ ۱۲۵). در مجموع، بر اولیاء واجب است قبل از هفت سالگی نماز را به فرزند بیاموزند؛ در هفت سالگی امر به نماز کنند؛ در صورت کوتاهی یا ترک نماز، از مراتب خفیف تا شدید مؤاخذه داشته باشند. البته نباید هدف اصلی را فراموش کرد که همان آشناسازی و عادت‌دهی فرزند و ایجاد انس و چشاندن حلاوت یاد و ارتباط با خداست؛ نه این‌که به هر قیمتی، به شکل مکانیکی و تصنعی عبادت کند. بنابراین رعایت اصل «توان متربی» لازم است (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴/ ۱۷۰)؛ از این رو، سن دقیقی را هم نمی‌توان ملاک قرار داد و تعدد روایات در این زمینه هم دلیل بر تعدد شرایط متربی است (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴/ ۱۵۲)؛ در مورد روزه هم والدین از نه سالگی کودکان را با روزه آشنا می‌سازند و آنان را به گرفتن روزه امر می‌نمایند و به سبب ترک روزه، به ویژه در سنین نزدیک به بلوغ مؤاخذه می‌کنند. البته در عین حال در روزه هم باید به توانایی آنان نیز توجه نمایند (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴/ ۱۷۹). چنانچه ملاحظه می‌شود حتی در یک ساحت تربیتی نیز سنین کارهای تربیتی با توجه به نوع عبادت و متربی فرق می‌کند؛ از این رو، مراحل سه گانه رشد ذکر شده در روایات به معنای جریان آن سنین در تمامی ساحت‌ها و افراد و بدون قابلیت انعطاف نیست؛ بلکه اصول کلی جاری در آن سنین را تعیین می‌کنند.

البته این امر به معنای نبود مراحل رشد یا مراحل تربیت به صورت کلی نیست؛ اما توجه به تفاوت در مراحل در ساحت‌های گوناگون تربیتی لازم است.

۴. واژه‌های ذکر شده در مراحل

سه دوره رشد در این گروه از روایات برشمرده شده است که واژه‌های آن‌ها تبیین می‌شود تا تکلیف تربیتی در هر دوره معلوم گردد.

دوره اول

در دوره اول، روایات مراحل سه گانه، با تعبیر مختلف نقل شده‌اند:

«أمهل»، «یلعب»، «دع یلعب»، «سید»، «یرخی»، «یربی» و «إحمل».

- «أمهل»: از مهل به معنای سکون، وقار، رفق، مهلت دادن و شتاب نکردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۵۷/۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/۶۳۳).
- «دع یلعب»: «دع» از ودع به معنای رها کردن و ترک کردن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۶/۹۶؛ جوهری، ۱۴۱۰ق: ۳/۱۲۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۸/۳۸۳) و متعلق آن «یلعب» آمده است و «لعب» به معنای بازی کردن همراه با لذت (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۴۸) و غیرجدی بودن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۷۳۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲/۴۰۳) است. یعنی رهاپیش کن و ترکش کن بازی کند و غیرجدی بودن اون در امور امری طبیعی است.
- «سید»: به معنای صاحب اختیار و متولی و رئیس و مالک و شریف و فاضل و کریم است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۲۲۸).
- «یرخی»: از رخی به معنای آرامی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۵۰۱) و نرمی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴/۳۱۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۲۲۶) و وسعت دادن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۴/۳۰۰؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق: ۴/۴۰۵) و آزادگذاشتن است.
- «یربی»: از ربأ به معنای نگهداری (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۱/۱۵۸) و مواظبت (زمخشری، ۱۹۷۹م: ۲۱۴) و رسیدگی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۸۲) است.
- «إحمل» به معنای یاری کردن است (ابن عباد، ۱۴۱۴ق: ۳/۱۱۴).
- در دو روایت موثق ذکرشده، «أمهل» و «دع» آمده است که به این معنا می‌باشد که کودک را در این سن یاری کرد و بر او سخت نگرفت و با رفق و مدارا با او کنار آمد. در امور تربیتی نیز شتاب نکرد و به او سخت نگرفت. این واژه‌ها نه تنها دلالت بر عدم تربیت در این دوره نیست، بلکه وقتی سخن از شتاب نکردن و مهلت دادن و یاری کردن است، این امور متعلقی می‌خواهد و «تربیت» مصداق بارز آن هم نباشد، حداقل یکی از متعلقاتی مهم آن است. با توجه به لزوم جمع بین این دو روایت، عبارت «یلعب» که در موفقه یعقوب بن سالم آمده است، حمل بر این می‌شود که در مرحله اول رشد و تربیت، اصل اولی آزادی دادن و بازی است و حتی تربیت و آموزش با بازی مؤثرتر است و سخت‌گیری در تربیت و آموزش شایسته نیست؛ به طوری که حتی اگر در وسط آموزش، بچه آموزش را ترک کرده و سراغ بازی رفت و یا واژه‌های ذکرشده در آموزش را به بازی گرفت یا گوش نداد و امثال این گونه حرکات و اعمال؛ طبیعی است و نباید سخت گرفت.
- واژه‌های ذکرشده در دیگر روایات غیرمؤثق نیز تقریباً مؤید چنین توضیحی می‌باشد. حتی در مرفوعه صدوق صراحتاً واژه «یربی» آمده است (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۴۹۳). چنانچه گذشت، عدم توجه به این امر که در مرحله اول نیز تربیت جریان دارد، برخی را به این امر واداشته که به امکان تصحیف این واژه از سوی شیخ صدوق قائل

شوند (پسندیده، ۱۳۹۵ش). در حالی که بنا به آنچه گذشت، در مرحله اول نیز تربیت وجود دارد و نیازی به توجیه این امر و قائل شدن به تصحیف نیست.

البته توضیح بیشتر در بحث «انحصار یا عدم انحصار ویژگی‌های ذکر شده» در ادامه خواهد آمد. فقط آنچه در اینجا حائز اهمیت است، این امر می‌باشد که «سیادت» در دوره اول که محور برخی بحث‌ها از سوی نظریه پردازان اسلامی بوده و بر طبق آن نظرهایی راجع به این لفظ داده‌اند و حتی با توجه به آن، تربیت را در مرحله اول روا ندانسته‌اند، فقط در یک روایت آمده است که موثق نیست (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۱/۹۵) توضیحات بیشتر در بحث ذکر شده خواهد آمد.

در مجموع، این سنین، سنین یاری کودک و رفق و مدارا با او و عدم سخت‌گیری و شتاب در امور تربیتی و محوریت بازی اوست، ولی اصل تربیت جریان دارد.

دوره دوم

در دوره دوم واژه‌های زیر ذکر شده‌اند:

«تعلیم کتاب»، «تأدیب» (بدون مقید ساختن به کتاب)، «عبد»، «تأدیب فی الکتاب»

- تعلیم: از باب تفعیل و ماده «عَلَّمَ يَعْلَمُ» به معنای آموزش دادن و یاد دادن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲/۱۵۲).

- تأدیب: ادب به معنای اخلاق و رفتارهای نیکو و علم (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۰۶: ۱/۲۹۶؛ ابن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ۱۴۱۴: ۳۷۸/۹؛ امامی راد و محامی، ۱۳۹۳) و تأدیب، در معنای باب تفعیل، به معنای دعوت به نیکویی‌ها و ادب‌آموزی و اخلاق‌آموزی و تعلیم و تربیت است. چنانچه گذشت، واژه «تأدیب» به تربیت معنوی و روحی اشاره بیشتری دارد (تربیت اخلاقی، اعتقادی و عبادی)؛ و البته تربیت جسمانی و اهتمام به آن نیز مقدمه - و البته مقدمه لازم و ضروری - برای رسیدن به آن است (تأدیب).

- عبد: به معنای نرمی و انعطاف و ذلّ (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۴/۲۰۵) که مستلزم اطاعت است (جوهری، ۱۴۱۰ق: ۲/۵۰۲).

در موثقه یعقوب بن سالم، «يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ» آمده است (کلینی، ۱۳۶۴ش: ۴۷/۶) و در بقیه روایات «تأدیب» و «عبد» به کار رفته است.

در مجموع، این دوره، دوره ادب‌آموزی و تعلیم و تربیت است. البته خصوص تعلیم کتاب (قرآن) و تأدیب مستفاد از آن مورد توجه خاص است؛ از این رو، شاید به نظر برسد که موضوعیتی دارد و تنقیح مناط و تعمیم آن به مطلق تعلیم و تربیت درست نباشد؛ اما قدر یقینی آن است که تعلیم معارف اسلامی را هم شامل می‌شود. در مورد دیگر علوم نیز می‌توان گفت: حتی بنا به قول به اختصاص به معارف اسلامی در این روایات، از ادله دیگر

می‌توان تعمیم به علوم دیگر را دریافت کرد. این بحث به جایگاه خود موکول می‌گردد، اما در مجموع، دلیل عقلی بر رجحان شرعی تعلّم مطلق علوم (اعم از علوم دینی و غیردینی) تامّ بوده و طبق قاعده ملازمه، شرع نیز آن را مستحب برمی‌شمارد. هرچند بیانات شرع، اعم از آیات و روایات، در تشویق و ترغیب علم، عالم و معلّم و متعلّم و غیره، به علم دینی منصرف است (اعرافی، ۱۳۹۳ش: ۲، فصل اول).

خلاصه آن‌که: این دوره، سنین تعلیم و تأدیب و تربیت است، اما خصوص تعلیم قرآن مورد تأکید خاص می‌باشد.

دوره سوم

تعبیری که در دوره سوم آمده است، به قرار زیر است:

- «ضُمَّهُ إِلَيْكَ فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ»؛ به معنای همراه کردن با خود و تأدیب‌کردن او با ادب خود.
 - «يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ»؛ به معنای آموزش حلال و حرام است.
 - «الزَّمَهُ نَفْسَكَ»؛ به معنای همراهی طولانی و پیوسته و جدانشده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵ / ۲۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۷۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۲ / ۵۴۱).
 - «وَزِيرٌ»؛ به معنای پناهگاه (ابن عباد، ۱۴۱۴ق: ۹ / ۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۶ / ۱۰۸).
 - «يُسْتَخْدَمُ»؛ به معنای دور چیزی چرخیدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲ / ۱۶۲) و کنایه از انجام امور است.
- برخلاف آن‌چه برخی این دوره را منحصر به تعلّم حلال و حرام به معنای عام آن و پذیرش مسئولیت و انجام امور محوله دانسته‌اند (پسندیده، ۱۳۹۵ش)، در روایات موثق تعبیر «ضُمَّهُ إِلَيْكَ فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ» و «يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ» آمده است و علاوه بر تعلّم حلال و حرام، تأدیب نیز مورد توجه است که در بحث «انحصار یا عدم انحصار ویژگی‌های ذکرشده در دوره‌ها» توضیح داده خواهد شد.

اما این‌که این دوره را دوره مشورت با متربی دانسته‌اند (از جمله، انصاری و دیگران، ۱۴۲۹ق: ۳ / ۳۷۲)، فقط از روایت ضعیف معروف که از اهل سنت و مرفوعه اول طبرسی است (وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ) می‌توان چنین برداشتی کرد و در دو روایت موثق ذکرشده و بقیه روایات فقط همراه‌کردن متربی با خود به انضمام استمرار تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است. این امر دلالت بر این دارد که: در این مرحله سوم، تعلیم و تربیت متربی با همراه‌کردن او نزد مربی مطلوب است؛ گویی نوعی تربیت و یاددهی عملی و کارآموزی را نیز می‌رساند. آری، مشورت با متربی و احترام به او و اکرامش قطعاً مطلوب است، ولی این امر از ادله دیگر دینی برمی‌آید که ادله عام مشورت از آن جمله‌اند؛ (شوری، ۳۸؛ کلینی، ۱۳۶۴ش: ۸ / ۲۰؛ توضیحات بیشتر: رک: امامی‌راد، ۱۳۹۵ش)، ولی از این روایات چنین برداشتی درست به نظر نمی‌رسد و فقط با استناد به یک روایت ضعیف السند نیز نمی‌توان به آن دست یافت.

در مجموع، دوره سوم دوره استمرار تأدیب و نیز تعلم حلال و حرام همراه با کارآموزی است.

۵. تطابق اصول ذکرشده در مراحل سه گانه تربیت بر آموزش جنسی

در یک جمع بندی مختصر تطبیق مراحل سه گانه تربیت در آموزش جنسی به قرار زیر است:

۱. با توجه به موضوعات خاص و گسترده آموزش جنسی، مراحل آن، منحصر در سه دوره نیست، اما به طور تقریبی می توان به اصول جاری در سه دوره نخست زندگی در آموزش جنسی نیز تمسک جست.
۲. لزوم انعطاف در دوره های ذکرشده که توضیح داده شد، در خصوص آموزش جنسی نه تنها جریان دارد، بلکه بیشتر است. زیرا، با توجه به حساسیت امور جنسی و تفاوت های فردی و قومی و فرهنگی و جسمی و جنسی و ...، توجه مربیان به این امر و انعطاف در تربیت و آموزش جنسی لازم است.
۳. نکات تربیتی در سه دوره در آموزش جنسی نیز جریان دارند. یعنی:

دوره اول: یاری کودک و رفق و مدارا با او و عدم سخت گیری و شتاب در امور تربیتی و محوریت بازی؛ در آموزش جنسی نیز نباید سخت گیری کرد. به طور مثال: اگر «اجازه خواهی هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء» آموزش داده می شود، در خود آموزش آن نباید شتاب کرد و با روش هایی مثل قصه و بازی و درج این آموزش در متن قصه و بازی با او، به این امر اقدام کرد. از حیث تربیتی، اگر با وجود آموزش، باز هم اجازه خواهی نداشت، نباید سخت گرفت و عتاب کرد. یعنی در صورت عدم رعایت این امر از سوی کودک، سخت گیری به خرج نداده و به جای ملامت یا تنبیه کودک، مدارا با او صورت می گیرد. توضیح بیشتر خواهد آمد.

دوره دوم؛ که دوره ادب آموزی و تعلیم و تربیت است، در آموزش جنسی حائز اهمیت است و می توان آموزش های جنسی که گاه جنبه پیشگیرانه نیز دارد، ارائه کرد.

دوره سوم؛ استمرار آموزش و تأدیب و حلال و حرام ها و احکام مرتبط با امور جنسی نمود بیشتری پیدا می کند. البته کارآموزی آموزش جنسی فقط در برخی آموزه ها جریان دارد. به طور مثال: در آموزش عفاف و حجاب به دختر، همراهی مادر و حجاب خود مادر و نوع پوشش و نحوه برخورد با نامحرمان، نوعی کارآموزی محسوب می شود که همزمان و پس از آموزش نیز همراه خواهد بود.

۴. درست است که انحصار تکلیف در روایات سه مرحله ای بر عهده اولیاء می باشد، اما دیگر مربیان نیز به این مراحل توجه می کنند؛ خصوص آن که در صورت وکالت این امر از سوی اولیاء به دیگر افراد یا نهادها، با قرائن حالیه یا مقالیه. در واقع، توصیفات ذکرشده در روایات مدنظر دیگر مربیان در برنامه ریزی های تربیتی و آموزشی قرار خواهد گرفت.

۵. درست است که زمان انتهای تربیت و تعلیم در این روایات نهایتاً تا بیست و یک سال است، اما طبق دیگر ادله و ادله تربیت و آموزش جنسی، استمرار آموزش جنسی لازم است. خصوصاً آن‌که در متون دینی آموزش جنسی بعد از ازدواج بسیار مورد توجه است.

توضیحات تکمیلی در بحث بعدی نیز خواهد آمد.

۶. مراحل آموزش جنسی در اسلام

طبق روایات پیشین معلوم شد که مراحل تربیت منحصر در مراحل رشد سنی نیست و نیز در ساحت‌های گوناگون فرق دارد. روان‌شناسان نیز رشد را انعطاف‌پذیر و تحت تأثیر نیروهای متعدد و تأثیرگذار بر هم می‌دانند (لورا برک، ۱۴۰۰ش: ۱۷-۲۳). این امر حتی در رشدهای مربوط به جسم و مسائل زیستی هم جریان دارد، چه برسد به ساحت‌های مربوط به مسائل روان‌شناختی و اجتماعی و نیز دوران‌ها و اقوام مختلف که تفاوت در این موارد گاه بیشتر از مسائل زیستی است (همان: ۱۸-۲۳). سن متناسب‌ترین در هر آموزشی را نیز با توجه به موارد خاصی که در متون روان‌شناسی و علوم تربیتی و اسلامی آمده است، می‌توان به صورت تقریبی تعیین کرد.

در کل، می‌توان به چهار نوع ملاک معقول برای تعیین مراحل تعلیم و تربیت اشاره داشت: بر اساس مراحل رشد، بر اساس پیش‌نیازهای منطقی، بر اساس اولویت‌های ساختاری و بر اساس اولویت‌های محتوایی (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰ش: ۳۳۸-۳۴۰). در پژوهش حاضر که به «محتوای آموزش جنسی» اختصاص دارد، بیشتر اولویت محتوایی معیار است، اما ملاک‌های رشد و پیش‌نیازهای منطقی نیز مدنظر خواهد بود.

بعد از بررسی مراحل تربیت در اسلام، سؤالی که در رابطه با آموزش جنسی به ذهن می‌آید این است که: مراحل آموزش جنسی سه مرحله ذکرشده در روایات است و بر طبق آن سنین آموزش جنسی ارائه می‌شود؟ اصول ذکرشده در آموزش جنسی هم جریان دارد؟ سنین ذکرشده در آموزش جنسی به چه صورت خواهد بود؟ برای پاسخ به این سؤال، نخست به مراحل مرسوم که برای آموزش جنسی برشمرده شده است، اشاره شده و با بررسی مختصر، به مراحل مختار در آموزش جنسی در اسلام خواهیم پرداخت.

در مورد دوره‌ها و سنین آموزش جنسی نظرات متعددی وجود دارد، اما مراحملی که نظام جامع آموزش جنسی ایالات متحده برای آموزش جنسی دارد و بیشتر از آن تبعیت می‌شود، به قرار زیر است:

سطح ۱: اواسط کودکی از سن ۵ تا ۸ سالگی؛

سطح ۲: قبل از نوجوانی از ۸ سالگی تا ۱۲ سالگی؛

سطح ۳: ابتدای نوجوانی از ۱۲ تا ۱۵ سالگی؛

سطح ۴: نوجوانی از ۱۵ تا ۱۸ سالگی (رزاقی، ۱۳۹۵ش: فصل دوم).

البته با توجه به این که یونسکو بر گستره آموزش جنسی در کل دوران زندگی تأکید دارد، به نظر می‌رسد مقصود از این تقسیم، خصوص آموزش رسمی در مدارس است.

چنانچه ذکر شد، به طور کلی، با توجه بدانچه در اسلام راجع به مسائل جنسی و رضایت جنسی همسران آمده است و نیز لزوم رضایت جنسی و خویشن‌داری جنسی در کل دوران زندگی، همچنین آموزش نکاتی در تربیت جنسی دیگران، گستره ذکر شده در تمام دوران زندگی مورد تأیید کلی است، اما باید توجه داشت که مراحل رشد نه تنها در ساحت‌های مختلف فرق می‌کند، بلکه در خود ساحت‌ها نیز متفاوت است. در خصوص آموزش جنسی این امر نمود بیشتری دارد و با توجه به خاص بودن موضوع تحقیق و لزوم قید «کفاف» در آموزش جنسی، مراحل آموزش جنسی تماماً به مراحل تربیت و رشد ذکر شده ناظر نخواهند بود. زیرا، به طور مثال: آموزه‌های جنسی هنگام و پس از ازدواج در اسلام مورد اهتمام خاصی بوده و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است و ضرورت بالایی هم دارد (موسوی و امامی راد: ۱۳۹۸ ش)، اما با توجه به تفاوت افراد در سن ازدواج، ارائه برخی آموزه‌های ذکر شده برای فردی که هنوز شرایط ازدواج را ندارد یا خواهان ازدواج نیست، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه گاه زمینه تحریک جنسی و فساد را نیز در پی دارد.

تعیین سن خاص و دقیق برای تمامی این مراحل دشوار است. برخی از دوران‌های ذکر شده در افراد و جنسیت‌ها متفاوت است. از این رو، نمی‌توان سن دقیقی را برای آن‌ها تعیین کرد. سن بلوغ در اسلام در مورد دختر و پسر نیز فرق می‌کند و آموزش‌های جنسی خاص، مقید به دوران بلوغ و برخی نزدیک به بلوغ است. حتی تغییرات جسمانی و روانی نه تنها در قومیت‌های مختلف، بلکه در خود قومیت‌ها هم متفاوت است. سن ازدواج افراد نیز مختلف است و آموزش‌های جنسی قبل و بعد از ازدواج اگر مقید به سنین خاصی شود، برخی آموزش‌های جنسی برای افرادی که در شرف ازدواج نیستند یا ازدواج نکرده‌اند، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه گاه باعث انحراف جنسی آنان می‌شود.

قدر یقینی آن است که تناسب آموزش جنسی با سن و سطح تحول مخاطبان از سوی تمام متخصصان مورد تأکید است (لندریو، ۱۹۹۴: ۱۲۷-۱۴۴)، اما این امر در مورد افراد و موقعیت‌ها نیز متفاوت است. حتی در صورت وجود مخاطبان مختلف و سنین و گروه‌های مختلف، باید به محتوای مشترک اکتفا کرد و به گونه‌ای ارائه داد که برای همه شرکت‌کنندگان قابل استفاده باشد (ویراکون، ۱۹۹۴: ۴۱-۴۶). در صورت عدم امکان این کار در مواردی، آموزش جنسی ندادن بهتر از آموزش دادن است؛ زیرا، ممکن است برای برخی از شرکت‌کنندگان اثر معکوس و نامطلوب هم داشته باشد.

لازم به ذکر است که نکات ذکر شده، به معنای عدم تعیین مراحل آموزش جنسی نیست و چنانچه ذکر شد، هرچند به صورت تقریبی، مراحل ذکر شده وجود دارد و راه‌گشای معلمین و مربیان خواهد بود.

همچنین ممکن است برخی افراد، موفق به گذراندن محتواهای آموزش جنسی در مرحله‌ای از مراحل نگردند؛ ارائه کلیه یا برخی از محتواهای آموزشی مرحله قبلی در مراحل بعد برای این‌گونه افراد مانعی ندارد. در واقع، به خاطر حساسیت محتواهای آموزش جنسی، در مراحل آموزش جنسی، بیشتر از آن‌که تماما از مراحل عمومی تعلیم و تربیت یا رشد تبعیت شود، با استفاده از محتواهایی که در آموزش جنسی وجود دارد، به تقسیم‌بندی مراحل اقدام می‌شود. به طور مثال: با این‌که سن در تعیین دوره‌های رشد مورد توجه است، اما شروع نوجوانی را با بلوغ مشخص می‌کنند (لورا برک، ۱۴۰۰ش: ۵) و این امر در افراد و قومیت‌ها و حتی دوره‌های تاریخی مختلف متغیر است. همچنین آموزش جنسی مسائل بلوغ، نه تنها در دختران و پسران متفاوت است، بلکه در جنسیت واحد نیز تفاوت‌های فردی در سن و رشد نیز وجود دارد؛ از این‌رو، این مباحث در محتواهای آموزش جنسی مخصوص پسران و مخصوص دختران گنجانده می‌شود. چنان‌چه محدود به سن خاصی هم نمی‌شود؛ زیرا، بلوغ در مناطق مختلف و دوران‌های مختلف فرق دارد و مقید کردن به سن خاص، اعتبار آن را در برخی شرایط خاص مخدوش می‌کند.

با توجه به نکات ذکرشده، در خصوص آموزش جنسی، با توجه به محتواهای آموزش جنسی که در متون اسلامی آمده است و پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد و با در نظر گرفتن دوره رشد عموم انسان‌ها، می‌توان مراحل آموزش جنسی را به صورت «کلی و تقریبی» به قرار زیر برشمرد:

۱. دوران کودکی؛

۲. دوران نوجوانی؛

۳. قبل از ازدواج؛

۴. بعد از ازدواج.

دوران کودکی و نوجوانی را می‌توان به طور تقریبی به مراحل سه‌گانه روایات ذکرشده ارائه کرد. یعنی: دوران کودکی کودکی اول و میانه تا قبل از ۷ سالگی و دوران کودکی پایانی از ۶ تا ۱۲ یا ۱۴ سالگی و نوجوانی از ۱۲ یا ۱۴ سالگی تا ۱۸ تا ۲۱ سالگی. البته این نوعی نام‌گذاری جدید است و لازم نیست مطابقت کامل با آنچه روان‌شناسان بدان قائل‌اند داشته باشد. اما دوران قبل از ازدواج و بعد از ازدواج، با توجه به تفاوت افراد در زمان ازدواج، متغیر خواهد بود. هرچند مفروض اسلام به ازدواج بهنگام یا زودهنگام است و این امر بیشتر می‌تواند از سنین نوجوانی به صورت متغیر صورت بگیرد، اما با توجه به حساسیت آموزش جنسی، نمی‌توان همین سنین ذکرشده را نیز بدان اختصاص داد. چنان‌چه گذشت، مراحل تعلیم و تربیت منحصر به مراحل رشد و سنی نیست؛ از این‌رو، این مرحله را به نام مرحله قبل از ازدواج نام می‌بریم.

برخی آموزش‌های جنسی دوران بعد از ازدواج ناظر به رضایت جنسی همسران و برخی دیگر مربوط به تربیت جنسی فرزندان است. در این آموزه‌ها، بیشتر آموزش‌هایی ارائه می‌شود که مربی در مقام تربیت نیاز به تسلط به آن‌ها دارد.

از این رو، در خصوص آموزش جنسی با این‌که آموزش جنسی در دوران کودکی و مخصوصاً نوجوانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، اما واقعیت این است که از لحاظ زمانی این آموزش‌ها گسترده‌تر می‌باشد. اصل این تعمیم به کل زندگی در خصوص آموزش جنسی نمود بیشتری دارد؛ زیرا افراد (یا لاقلاً بیشتر افراد) در تمامی مراحل رشد خود، کم و بیش میل جنسی را درک می‌کنند، به رفتارهای جنسی فکر می‌کنند و به هر شکل، عکس العمل نشان می‌دهند؛ خواه فعالیت جنسی آن‌ها با دیگری باشد یا با خودشان، یا در ظاهر اصلاً فعالیتی نداشته باشند (پونتن، ۲۰۰۰؛ ۲). همچنین به نظر نگارنده، آموزش جنسی و محتوای آن، محدود به کنترل و سودهی غرائز جنسی خود فرد نیست و شامل تربیت جنسی متریبان مرتبط با شخص نیز می‌باشد؛ از این رو، در سنینی که گرایش جنسی رو به افول نیز هست، تربیت جنسی گاه به اوج خود می‌رسد و وظایف فرد در تربیت جنسی دیگران بیشتر می‌شود. ضمن آن‌که هر یک از زن و شوهر در سنین میانسالی و حتی سالخوردگی نیاز به آموزش در خصوص حفظ طراوت و شادابی و رضایتمندی روابط جنسی متناسب با اقتضائات و شرایط سنی و جسمی خویش را دارند.

نتیجه‌گیری

آموزش جنسی و محتوای آن، به عنوان یک امر تربیتی تابعی از مراحل تربیت در اسلام می‌باشد، اما با توجه به خصوصیت و حساسیت خاص امور جنسی، مراحل آموزش جنسی کاملاً مطابق با سنین رشد مرسوم در روان‌شناسی و سنین رشد سه‌گانه در روایات نمی‌باشد، اما اصول ذکر شده در روایات در آموزش جنسی هم جریان دارد. انعطاف در سنین دوره‌ها در آموزش جنسی جریان بیشتری دارد و در دوره اول، یاری کودک و رفق و مدارا با او و عدم سخت‌گیری و شتاب در آموزش جنسی مدنظر قرار می‌گیرد. در دوره دوم آموزش‌های جنسی که بیشتر جنبه پیشگیرانه دارد، ارائه شده و در دوره سوم استمرار آموزش جنسی جریان دارد.

در مجموع، مراحل آموزش جنسی در اسلام را می‌توان به طور تقریبی به قرار زیر برشمرد:

۱. دوران کودکی اول و میانه: قبل از ۷ یا ۸ سالگی؛

۲. دوران کودکی پایانی: بین ۶ الی ۱۴ سالگی؛

۳. دوران قبل از ازدواج؛

۴. دوران بعد از ازدواج.

دوران بعد از ازدواج نیز در دو حیطة عمده می‌باشد:

- رضایت جنسی همسران

- تربیت جنسی فرزندان.

تفکیک نسبی دقیق تر سنی در محدوده‌ها بستگی به محتوای خاص آن است که در تک تک موارد بایستی بررسی شوند.

اصولی که در روایات سه مرحله‌ای ذکر شده بود، در آموزش جنسی نیز جریان دارد.

از این رو، نظام آموزشی ایران و کشورهای مسلمان، می‌تواند به امور ذکر شده توجه داشته باشد. بدین صورت که: مراحل آموزش جنسی را در ۴ سطح ذکر شده مورد توجه قرار دهد. مرحله اول و دوم را دوران ابتدایی و متوسطه اول در برمی‌گیرد. دوره‌های قبل از ازدواج در مراکز و نهادهای مختلف برای متأهلین ارائه گردد؛ این امر به یادگیری‌های مرتبط و کاهش طلاق منجر خواهد شد.

منابع

منابع فارسی

- ابن جوزی، عبدالرحمن ابن علی (۱۴۱۵ق). *الموضوعات*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عباد، صاحب و اسماعیل ابن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتب.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب اعلام الإسلامی.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۹۴ش). *تهذیب الأخلاق*. تهران: عرفان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- احمدی پور، یونس و احمدی پور، سیدمیثم، (۱۳۹۶ش)، *مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از منظر ابن سینا*، دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری. تهران.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۳ش). *فقه تربیتی*، ج ۱. تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم: اشراق و عرفان. ج دوم.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۶ش). *فقه تربیتی*، ج ۲۴؛ تربیت عبادی. تحقیق و نگارش: مهدی شکراللهی، قم: اشراق و عرفان.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۶ش). *فقه تربیتی*، ج ۲۶؛ تربیت جنسی. تحقیق و نگارش: احمد امامی‌راد. قم: اشراق و عرفان.
- المناوای، عبدالرؤوف محمد (۱۳۹۱ق). *فیض التقدیر فی شرح جامع الصغیر*. بیروت: دار الفکر.
- امامی‌راد، احمد (۱۳۹۵ش). *اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی*. قم: المصطفی. ج ۳.
- امامی‌راد، احمد. محامی، مصطفی (۱۳۹۳ش)، *بررسی مفهوم آدب و تأدیب و نسبت آن‌ها با تربیت و واژه‌های مرتبط دیگر*، فقه تربیتی، شماره ۲، ص ۳۱-۵۶.

- انصاری شیرازی، قدرت الله و دیگران (۱۴۲۹ق). موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها. قم: ائمه اطهار (ع).
- برک، لورا، روان‌شناسی رشد، ج ۱؛ از لقاچ تا کودکی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۴۰۰ش)، تهران: ارسباران.
- بهای، محمد بن عزالدین حسین (شیخ بهایی) (۱۳۹۰ق). الوجیزة فی علم الدرایة. چاپ اول، قم: بصیرتی.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵ش). روایات «سبع سنین» در فرزندپروری، گونه‌ها و تحلیل درونی آن‌ها، علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۸۱، ص ۳-۲۴.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق، علی هلالی و علی سیری، اول، بیروت: دارالفکر.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ق). الخلاصة. قم: دار الذخائر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم و الدار الشامیة.
- رزاقی، رضا، (۱۳۹۵ش)، ارزیابی سلامت جنسی نوجوانان تحت مراقبت شبانه‌روزی و اثربخشی برنامه جامع آموزش جنسی (تربیت جنسی) بر ارتقای دانش، نگرش و خودپنداره جنسی، به راهنمایی: احمد برجعلی و فرامرز سهرابی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دکتری، علوم تربیتی.
- زمخشری، أبو القاسم (۱۹۷۹م). اساس البلاغة. بیروت: دار صادر.
- سعدی شیرازی، ابومحمد مصلح‌الدین (۱۳۹۸ش). بوستان سعدی. مصحح: محمدعلی فروغی. تهران: قفوس. ج ۱۹.
- سعدی شیرازی، ابومحمد مصلح‌الدین (۱۳۹۸ش). گلستان سعدی. مصحح: محمدعلی فروغی. تهران: قفوس. ج ۲۹.
- شکوهی، غلام‌حسین (۱۳۸۷ش). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: به‌نشر. ج ۲۲.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ش). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). الفهرست. نجف: المكتبة المرتضویة.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الافاق الجديدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش). رجال الکشی. مشهد: دانشگاه مشهد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴ش). *الکافی*. قم: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
- گروهی از نویسندگان؛ زیر نظر مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ش). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش). *آسیب شناخت حدیث*، قم: زائر.
- موسوی، سیدعباس و امامی راد، احمد (۱۳۹۸ش). *کتاب جامع رضایت جنسی همسران*، تهران و قم: پژوهشکده باقرالعلوم.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). *رجال النجاشی*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- هیثمی، علی بن ابوبکر (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

منابع لاتین:

- Lenderyou, G. (1994), "Sex education: A school-based perspective", *Sexual and Marital Therapy*, vol 9 (2), P.127-144.
- Ponton, L. (2000). *The Sex Lives Teenagers: Revealing the Secret Word of Adolescent Boys and Girls*, New York: Penguin Putman, p 2.
- UNESCO (2009). International Technical Guidance on Sexuality Education. Paris: Unesco. Online at [http://data.unaids.org/pub/ External Document](http://data.unaids.org/pub/External_Document)
- Weerakoon, P. (1994), "sexuality education or allied health professionals: A program to meet individual student needs", *Journal of Sex Education and Therapy*, vol 20 (1), P.41-46.